

خبر

افزایش ۲۵ تا ۳۵ درصدی نرخ کرایه تاکسی در کشور

● مدیرعامل اتحادیه تاکسی‌رانی‌های شهری کشور با بیان اینکه میانگین رقم پیشنهادی افزایش کرایه تاکسی در کشور بین ۲۵ تا ۳۵ درصد است، گفت: این افزایش پس از طی مراحل قانونی قابل اجراءست. مرتضی ضامن‌ی با اعلام اینکه موضوع افزایش کرایه‌ها در برخی شهرها اجرائی شده و در سایر شهرها نیز تا درپهشت شاهد اصلاح قیمت خواهیم بود، افزود: تاکسی‌رانی با سایر وسایل حمل‌ونقلی متفاوت است؛ چراکه تاکسی‌ها هیچ پارانه دولتی نمی‌گیرند و مباحث خودرو و پرداخت سایر مبالغ، بر عهده راننده است. ضامن‌ی رقم تعیین‌شده برای سال جاری را بسیار کمتر از تورم اعلامی دانست و گفت: درآمد رانندگان در این حوزه فزونی نمی‌گردد و تنها تلاش است درآمد متعارف که در تمام مشاغل وجود دارد، درخصوص رانندگان تاکسی هم حفظ شود. وی تاکید کرد: برای مثال سال گذشته با توجه به شیوع ویروس کرونا و کاهش تردهای شهری و همچنین کاهش تعداد مسافران در تاکسی‌ها و اینکه رانندگان تاکسی‌ها موظف شدند بیش از سه مسافر را جابه‌جا نکنند، در برخی شهرها دو بار کرایه تاکسی افزایش یافت.

ادامه از صفحه اول

حفاظت از گذشته

مجموعه‌ای در ضلع جنوبی این باغ وجود دارد، مربوط به دوره قاجار که در زمان پهلوی اول و توسط مارکو بناهایی در آنجا ایجاد شد و دانشسرای عالی را تشکیل داد، به عبارتی یک بنای حکومتی را تشکیل به یک مجموعه آموزشی و تربیتی کرد. امروزه وقتی به این محوطه نزدیک می‌شویم چه برخوردی باید داشته باشیم. از یک طرف قطعا حفاظت از این اثر تاریخی مبتنی بر ویژگی‌هایی که شکل گرفته یک امر بدیهی است اما از طرف دیگر قطعا در مجموعه‌ای که نخستین رئیس دانشگاه تهران دکتر سیاسی در آن مستقر شده است، با برای اولین‌بار لغت‌نامه هخدا در آنجا شکل می‌گیرد، شخصیتی چون دکتر صدیقی به‌عنوان رئیس گروه و دانشکده علوم اجتماعی و تعاون دفتر کار خود را در آنجا قرار می‌هد یا گروه پژوهشی‌های علوم اجتماعی در این مکان به فعالیت خود برپای آوردن‌بار پرداخته‌اند، قطعا دارای چنان شان و منزلتی است که باید مجددا متناسب با آن به کاربری نوع جدید و رفقاری امروزی توجه کرد. به‌عبارتی یک مکان آموزشی هیچ‌گاه نباید از مفهوم آموزشی خودش دور شود بلکه می‌تواند براساس شرایط امروز و ویژگی‌های معماری‌ای که دارد، نوع خاصی از آموزش را برای آن تعریف کرد. بنابراین در چنین باغی ایجاد یک سری از فعالیت‌های فرهنگی، خدماتی مثل کافه و گالری و… که قطعا ارزشمند است، نمی‌تواند پاسخ‌گوی شان و منزلت مکان تاریخی‌ای باشد که یک گذشته بسیار شاخص و تعریف‌شده برای تاریخ معاصر ایران دارد و باید فعالیتی متناسب با آن تعریف و اجرا کنیم. مثل اینکه مجموعه حوزه ریاست دانشگاه تهران در آنجا قرار بگیرد و فعالیت‌هایی از این دست که بتواند معرف شخصیت قدیم برای کاربری امروزه و به جهت فردایی مطمئن برای چنین نبایی را برای ما شکل دهد. پس وقتی به گذشته هر بنایی نگاه می‌کنیم درواقع باید سعی کنیم آن گذشته را حفظ کنیم و به اینکه چه چیز خوب یا بد است، نپردازیم. فارغ از تضادها سعی کنیم مجموعه تاریخی را برپای امروز و رفح مشکلات آینده مردم حفاظت کنیم. بنابراین حفاظت از یک امر تاریخی باید به دور از مباحث و اعتقادات و باورهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی روز باشد و حفظ آنها ضرورتی در درجه‌اول در شکل تاریخی که بتواند در قالب امروزی خودش به زندگی ادامه دهد، مطرح می‌شود. این گوناگونی آینده که برای یک بنای تاریخی مطرح شده، برداشت متفاوتی است از یک اثر تاریخی که می‌توانیم باشیم ولی باید سعی کنیم این گوناگونی را به شکلی مورد توجه قرار دهیم که اهمیت بنا، ویژگی‌های تاریخی و ارزش‌های آن، زیر سؤال نرود و بتواند به حیات خودش ادامه دهد. گاه یک اثر تاریخی در دوره‌ای مورد غصب بخشی از افراد قرار می‌گیرد و گاه بنای دیگری مورد علاقه واقع می‌شود اما فارغ از این علاقه و بدی، تمامی این آثار برخی از میراث فرهنگی- تاریخی بشر تلقی می‌شوند که حفاظت از آنها، درک و شناخت آنها به جهت معرفی‌شان به نسل امروز و آینده امری لازم است و باید مطابق با آن شان و منزلت و هویتی که از خانه گرفته تا مجموعه مهم مذهبی یا حکومتی، پاسخ‌گوی شرایط خاص امروز ما باشد تا بتوانیم آینده‌ای بهتر و مطمئن‌تر را برای گذشته خودمان به وجود بیاوریم.

مذاکرات فرسایشی و قدرت

ولی باید مراقبت شود که مذاکره فرسایشی

نباشد.» حیرت‌آور است که این مذاکرات به عاملی

برای عدم انسجام و فرسایش داخلی تبدیل شده

است و حیرت‌آورتر آن است که در درون نظام هم

اقدامی جدی در راستای کاهش تفرقه نمی‌شود.

این تفرقه در درازمدت بسیار آسیب‌زا است. از

بسویی شماری از نیروهای خدم این کشور را از

میدان به در می‌کند و از سویی دیگر افراط‌گری و

جهالت را در مدیریت دامن می‌زند.

نیولوفر حامدی: براساس سند تحول بنیادین

آموزش‌وپرورش، ساماندهی نیروی انسانی و

اسلامی‌شدن مدارس آغاز شده است. روندی که پس از

مباحث پاییز سال گذشته شدت بیشتری هم گرفت. دقیقا

پس از آنکه بوده‌جه سال ۱۴۰۰ از سوی دولت اعلام شد و

مجلسی‌ها عصابی‌ان از رویه‌روشدن با بندی مربوط به سند

۲۰۳۰، شروع به اعتراض علیه وزارت آموزش و پرورش

کردند. محسن حاجی‌میرزایی، وزیر آموزش و پرورش،

خیلی زود همه‌چیز را تکذیب کرد و گفت: «مقصود نهایی

آموزش و پرورش تربیت انسان‌هایی در تراز انقلاب

اسلامی است که بتوانند سربازان شکل‌گیری تمدن نوین

اسلامی باشند». مدت زیادی از اظهارنظر حاجی‌میرزایی

نگذشته بود که او ادعای خود را با خبر جذب طلاب

به‌عنوان معلم در مدارس تکمیل‌کرد و در تاریخ ۱۱

بهمن خبر داد: «این امکان فراهم شده تا برای بهره‌گیری

از ظرفیت حوزه‌های علمیه برادران و خواهران، طلاب

توانند در هشت رشته آزمون استخامی شرکت کنند و

پس از شرکت در دوره یک‌ساله، به‌کارگیری شوند. طلاب

قرار است از طریق مرکز تربیت مبلغ معلم حوزه‌های

علمیه وارد آموزش و پرورش شوند. آموزش و پرورش

و دانشگاه فرهنگیان ۲۵ هزار نفر طلاب زن و مرد را

استخدام می‌کند و به کار می‌گیرند.»

طلاب از دو روش می‌توانند به‌عنوان معلم جذب

مدارس شوند. مسیر اول، شرکت در کنکور سراسری و

ورود به دانشگاه فرهنگیان است که پس از طی دوره

چهارساله به‌عنوان معلم استخدام می‌شوند.

تا اینجا همه‌چیز با سایر داوطلبان معلمی برابر به نظر

می‌رسد؛ اما مسیر دوم شرایط را تغییر می‌دهد. آنجا

که مشخص می‌شود، طلاب و دانشجویانی که مدرک

سطح ۲ یا کارشناسی دارند و خدمت سربازی خود را

گذرانده‌اند می‌توانند جذب آموزش و پرورش شوند.

همچنین طلاب دیگر نه‌تنها در رشته‌های علوم تربیتی

و دینی که در هشت رشته متنوع، یعنی دبیری عربی،

مربی امور تربیتی، دبیری معارف اسلامی، آموزگاری

ابتدایی، دبیری ادبیات فارسی، دبیری علوم اجتماعی،

دبیری تاریخ و دبیری فلسفه می‌توانند در آزمون

استخدامی شرکت کنند و در صورت پذیرش در همان

رشته‌ای که قبول شده‌اند به استخدام آموزش و پرورش

درمی‌آیند.

نگاه‌به آموزش وپرورش نگاهی غیرتخصصی

آموزش و پرورش از نظر نیروی انسانی، عظیم‌ترین

وزارتخانه کشور محسوب می‌شود. تعداد افراد درگیر این

حوزه چه از حیث تعداد و چه از نظر کیفیت که کودکان،

نوجوانان یعنی دانش‌آموزان و والدینشان از یک طرف

و از سویی دیگر، معلمان محسوب می‌شوند، گستره و

اهمیت بسزایی در اهداف توسعه‌ای کشور دارد. همین

موضوع هم تصمیم‌گیری‌ها در این حوزه را زیر ذره‌بین

تیزبینانه‌تری قرار می‌دهد. جذب طلاب به‌عنوان معلم

در مدارس، آن هم در رشته‌هایی غیر از علوم دینی و

با شروطی مثل حضور در دوره‌های کوتاه‌مدت، اعث

انتقادهای متفاوتی شده است؛ نمونه‌اش اعتراض

تعدادی از انجمن‌های آموزشی و پژوهشی یا نامه

انجمن تاریخ کشور به رئیس جمهوری؛ اما علت این

اعتراض‌ها، موضوعی است که این مسئله را مورد توجه

قرار می‌دهد. عادل برکم، معلم و کارشناس آموزش

و پرورش، در گفت‌وگو با «شرق»، مسئله تخصص را

مهم‌ترین فقدان در تصمیم‌گیری وزارت آموزش و

پرورش می‌داند: «اگر قرار باشد در نظام تعلیم و تربیت،

تمرکز ما روی کیفیت معطوف شود، راهی نداریم

چیز اینکه بر تخصص و توانایی آموزش معلمان خود

معطوف شویم و تنها از این هرگز می‌توانیم به خروجی

بایکفیتی دست یابیم. معلمان‌ی که سال‌ها در دانشگاه

آموزش دیده‌اند و خودشان به این منظور تربیت شده‌اند

که دیگری را که از قضا کودک و نوجوان هم هستند،

تربیت کنند، هم از نظر علمی و هم از نظر اخلاقی که

به همین تناسب هم آموزش و پرورش را همواره در

کنار یکدیگر قرار می‌دهیم. حالا اگر قرار باشد در این

مسیر، افراد دیگری، از هر رشته‌ای که اساسا این رشته

را نخوانده‌اند وارد حیطه تعلیم و تربیت به‌عنوان یک

حوزه به‌شدت حساس شوند، پس چرا باید روی تربیت

معلمان هزینه شود؟ اگر قرار است کسی که علوم دینی

خوانده و در حوزه علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی یا

تاریخ و ادبیات دانشی ندارد، وارد تدریس این امر شود،

پس کسی که به‌طور مثال ماشین‌آلات خوانده هم باید

تواند چنین کاری را انجام دهد و بر همین اساس، دیگر

چرا باید سرمایه‌ای تحت عنوان مراکز دانشگاهی برای

این رشته‌ها ساخته شود، وقتی هرکسی با هر دانشی

می‌تواند به تدریس آن بپردازد، پس می‌توان در آینده،

همه دانشکده‌های جامعه‌شناسی و تاریخ را به‌طورکلی

جمع کرد.»

او اشاره به اهداف ستاد همکاری‌های حوزه و

آموزش و پرورش ادامه می‌دهد: «ستاد همکاری‌های

حوزه و آموزش و پرورش از زمان راه‌اندازی تاکنون، سه

هدف مختلف را چراغ راه خود قرار داده است؛ جذب

جامعه

گزارش «شرق» از ورودروحانیون به مدارس در آستانه قرن جدید

از نگرانی مراجع برای وضعیت علمی حوزه تا معلمی طلاب در مدارس



معلمی، مهدی مرزبان، فارس

علی‌اشرف فتحی، روحانی و مدرس حوزه، یکی

از همین مخالفان است. او در گفت‌وگو با «شرق» از

تضاد کارکرد روحانیت با این تصمیم می‌گوید: «یکی از

آسیب‌هایی که نظام حوزه را در دهه‌های اخیر به‌شدت

آزاد کرده، نقش آفرینی‌هایی است که همخوانی با

کارکرد اصلی روحانیت ندارد و حتی گاهی هم با آن

در تضاد است. به‌طور عمومی، هیچ‌کسی نباید وارد

حوزه‌ای شود که در آن تخصصی ندارد و این یک

اصل کلی است که همگان هم آن را پذیرفته‌ایم؛ اینکه

می‌توانیم نظر خودمان را درباره موضوعات مختلف

ارائه دهیم اما ورود جدی به یک حوزه و نقش آفرینی

در آن، به‌طور حتم نیازمند تخصص است. روحانیت،

نهادهی است که وظیفه دارد به جامعه آرامش تزریق

کند. آن هم با تعمیم معنویت در فضای مملو از

بحرانی که جهان امروز درگیر آن است و به‌ویژه بعد از

ویروس کرونا، شکل و شمایل ترسانگرتی هم به خود

گرفته است. باید به زندگی که شاید از نظر بسزایی در

دنیا امروزی از معنا تهی شده است، معنای مجددی

ببخشد. باید تلاش کند تا مردم را با خودشان و با

یکدیگر آشتی دهد و این مهم عملی نخواهد شد، جز

با تمرکز جامعه روحانیت روی آنچه کارکرد اصلی و

هدفش است.»

او با ابراز نگرانی از دغدغه مراجع شیعه، از ضعف

علمی حوزه می‌گوید: «وقتی از تخصص حرف می‌زنیم،

موضوع کاملا یک جاده دوطرفه است. وقتی می‌گویم

یک روحانی که دروس حوزوی خوانده، نمی‌تواند صرفا

با حضور در یک دوره معلم تاریخ و علوم اجتماعی

شود، به همان اندازه هم معتقدیم که نظردی در

علوم دینی را باید به متخصصان آن سپرد. اینجاست

که مسئله علمی حوزه هم به میان می‌آید. سال‌هاست

که مراجع بزرگ شیعه در ایران و عراق، نگران افت

علمی طلاب هستند. این حرف من نیست و اگر سری به

اظهارنظرانشان بزنید، خواهید دید که هربار مقدر درباره

این موضوع ابراز نگرانی می‌کنند و درباره‌اش هشدار

می‌دهند. علوم حوزوی که حالا دیگر بیش از صد سال

قدمت دارد، نیازمند درک عمیق‌تر است و این تعمق

تنها با تمرکز بر همین حوزه و فضای علمی و فقهی آن

رخ خواهد داد. چرا باید در چنین شرایطی سراغ دعوای

جدید برویم؟»

فتحی معتقد است اغتشاش کارکردی این چنینی

می‌تواند روی اعتماد مردم به نهاد روحانیت تأثیر منفی

بگذارد: «چند وقت پیش در فضای مجازی دیدم که یکی

از روحانیون جوان، در حساب کاربری خود نوشته بود:

«پاسخ‌گویی به سوالات شرعی، سطحی‌ترین کار ممکن

برای روحانیت است.» خیلی تعجب کردم و گفتمی در

صفحه‌اش زدم. ابتدا تصور کردم کسی که چنین نظری

دارد، احتمالا در حوزه فلسفه دین پژوهش می‌کند، اما

متوجه شدم محتوای پست‌هایش همین اظهارنظرات

عامیانه است که همه ما داریم. از نارضایتی‌ها و

مشکلات و حرف‌های عادی و سطحی، بدون اینکه

عمق خاصی از دانش را بطلبد. واقعا متأسف شدم

و همان موقع مجددا به این مسئله فکر کردم که چرا

نظام حوزه‌ای این دید درست را در اختیار طلاب قرار

نمی‌دهد؟ اغتشاش کارکردی، بلایی است که ما در کشور

با آنواجهیم و همه در همه امور خود را صاحب‌نظر

می‌دانند. همین مسئله هم اعتماد متقابل را در بین

مردم از بین برده است و فقدان اعتماد، در برخی نهادها

می‌تواند سنگین‌تر از سایر نهادها باشد و روحانیت دقیقا

همان نهادی است که نباید بگذارد بین خودش و مردم و

اعتمادشان فاصله‌ای ایجاد شود.»

حلقه اتصال همکاری بین حوزه و آموزش‌وپرورش،

حالا قوی‌تر از همیشه شده و در کنار تمامی این انتقادها،

بیم هرچه ایدئولوژیک‌ترشدن فضای مدارس هم وجود

دارد. اواخر سال ۹۷ که آموزش و پرورش، سراغ

طرح تربیت جنسی دانش‌آموزان رفت. طرحی که

پس از حاشیه‌ها بر سر سستند. ۲۰۳ قصد داشت به دور

از آموزش‌های غربی، ضمن آگاهی‌رسانی، از کودکان و

نوجوانان در مقابل خطرات جنسی محافظت کند. سه

سال است که این طرح، در شورای عالی انقلاب فرهنگی

مانده و به‌نوعی بایکوت شده است؛ اما در مقابل،

برنامه‌های این چنینی، با وجود منتقدان جدی، سریع و

بدون توقف پیش می‌رود.

گذر

ابلاغ مصوبه بحث برانگیز امحای لنج‌های چوبی

● مصوبه جنبجالی امحای لنج‌های چوبی که

با واکنش وزارت میراث فرهنگی نیز مواجه شده

بود، بدون توجه به نابودی میراث ناملموس

به‌سازی سنتی و واکنش‌ها علیه آن ابلاغ شد.

به گزارش مهر، در سال گذشته سازمان بنادرو

دریانوردی پیشنهاد کرده بود لنج‌های سنتی

چوبی و فایبرگلاس باری با ظرفیت کمتر از ۵۰۰

تن در مدت پنج سال امحا و به جای آنها لنج‌های

فلزی جایگزین شوند. این مصوبه در هیئت

دولت تصویب شد و پس از آن با واکنش‌های

مختلفی روبه‌رو بود؛ از جمله این واکنش‌ها از

سویی متولیان میراث ناملموس بود که اعلام

کردند مهارت و دانش لنج‌سازی سنتی در خلیج

پونسکو رسیده است و با ازین‌بردن لنج‌های

قدیمی، در واقع بخشی از این میراث ناملموس

از بین خواهد رفت. وزیر میراث فرهنگی و رئیس

ایکوم ایران نیز در نامه‌هایی خواستار تغییر

و اصلاح این مصوبه شدند. حتی وزیر میراث

فرهنگی نستبتی با رئیس سازمان بنادر داشت

و در آن نشست هم درخواست کرد تغییری در

مصوبه ایجاد شود و در حوزه گردشگری دریایی

نیز از لنج‌ها مورد بهره‌برداری قرار گیرند؛ چون

نه‌تنها این مصوبه منجر به ازین‌رفتن لنج‌های

چوبی می‌شد، بلکه مواردی که به‌عنوان

تسهیلات مرتبط با گردشگری برای آن در نظر

گرفته بودند نیز با مقوله گردشگری دریایی

همخوان نبود؛ اما با وجود همه این واکنش‌ها،

شورای اطلاع‌رسانی دولت اعلام کرد این مصوبه

ابلاغ شده است.

در ابلاغیه مصوبه آمده است: هیئت

وزیران به پیشنهاد وزارتخانه‌های راه و

شهرسازی، صنعت، معدن و تجارت، کشور و

میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و

سازمان‌های حفاظت محیط زیست و برنامه و

بودجه کشور و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی

ایران و در اجرای ماده «۱۸» آیین‌نامه ورود کالا

توسط ملوانان شناورهای دریایی سنتی با ظرفیت

کمتر از «۵۰۰ تن لنج تجاری» و مساماندهی و

نوسازی آن شناورها، مصوبه مربوط به برنامه

جایگزینی شناورهای دریایی سنتی با ظرفیت

کمتر از «۵۰۰ تن لنج تج